

جلسه اول

جایگاه حقوق عمومی در اسلام

حقوق عمومی رشته ای از دانش حقوق و بیانگر «قواعد حاکم بر شکل گیری و صلاحیتهای دولت، شیوه به جریان افتادن قدرت، مناسبات زمامداری و عمل حکمرانی» یا «قواعدی برای تاسیس دولت، تنظیم حقوقی روابط سیاسی یا اداری یا مالی میان دولت، نهادهای عمومی و شهروندان و اعمال حاکمیت» است.

حقوق عمومی با رویکرد اسلامی «مجموعه ای از قواعد برآمده از نقل و عقل است که ریشه در مشروعیت الهی و حاکمیت دینی دارد و به منظور تنظیم روابط افراد و شهروندان با دولت و تنظیم روابط موجود میان نهادهای دولتی در سه سطح ملی، منطقه ای و بین المللی و با هدف حق مداری انسان و جامعه بر زندگی انسان حاکم است»^۱.

چهار هدف مهم حقوق عمومی عبارتند از: مشروعیت بخشی به دولت، قانونمند کردن صلاحیتهای حکومت، تبیین و تضمین حقوق ملت و برقراری نظم و امنیت.

۱. حقوق عمومی در دسته بندی های فقهی

در دانش حقوق، حقوق به خصوصی و عمومی تقسیم شده است. آیا مطابق این تقسیم، موضوعات مطرح در فقه را نیز می توان به دو حوزه فقه خصوصی و فقه عمومی تقسیم کرد؟ این پرسش از آن جهت اهمیت دارد که بخش عمده ای از قانون مدنی (احوال شخصیه، خانواده، معاملات و...) و قانون مجازات اسلامی، برگرفته از فقه امامیه اند. از سوی دیگر، با تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی تلاش درخوری در انطباق مباحث بنیادین حقوق اساسی (که مهمترین شاخه حقوق عمومی است) با فقه اسلام صورت گرفت. به رغم وابستگی حقوق به فقه در این حوزه ها، در حوزه های دیگر حقوق خصوصی (تجارت، بیمه، حقوق دریایی، روابط موجر و مستاجر، مسئولیت مدنی و...) و نیز شاخه های دیگر حقوقی عمومی مانند حقوق اداری، حقوق کار، حقوق مالی، حقوق بین الملل خصوصی و عمومی، قواعد حاکم بر آنها عمدتاً عرفی و برگرفته از تجربیات حقوق غرب است.

حال اگر در برخی از این حوزه ها امکان تقنین فقهی وجود داشته باشد، با توجه به نوپدید بودن برخی شاخه های حقوقی، جایگاه فقهی مناسب آن کجاست و در کدامیک از ابواب فقهی باید بررسی شوند؟ پاسخهای

^۱. موسی زاده، مبانی حقوق عمومی با تاکید بر منظومه فکری آیت الله جوادی آملی، ص ۱۹.

سه گانه احتمالی عبارتند از: ۱. می توان آنها را در دسته بندی سنتی موجود در کتب فقهی قرارداد. ۲. می توان دسته بندی سنتی ابواب فقهی را مطابق دسته بندی حقوقی، به فقه خصوصی و فقه عمومی تغییر داد. ۳. می توان با بازنگری در دسته بندی سنتی، الگویی جدید از دسته بندی سنتی فقهی متناسب با حوزه های خصوصی، عمومی و حکومتی ارائه کرد.

اکنون باید به سراغ دسته بندی ابواب فقهی در متون فقهی رفت که از دیرباز وجود داشته و به تدریج منسجم تر شده است. محقق حلی، فقیه برجسته قرن هفتم هجری قمری، کتاب شرایع الاسلام را با تقسیم ابواب فقهی به چهار بخش عبادات، عقود، ایقاعات و احکام، سازماندهی کرد.^۲ ابتکار وی تا کنون مبنای عمل فقیهان قرار گرفته و رایج ترین دسته بندی ابواب فقهی است. عقود و ایقاعات ذیل عنوان عام «معاملات» قرار می گیرند و از این رو می توان مطابق دسته بندی فوق، ابواب فقه را ناظر به سه بخش عبادات، معاملات و احکام دانست.

این تقسیم از سوی استاد شهید مطهری بدین صورت مورد انتقاد قرار گرفته است که محقق حلی در تقسیم خود عبادات را یک بخش قرار داده ولی در بخشهای دیگر نیازمندی به صیغه و بی نیاز بودن از آن و طرفینی بودن صیغه یا یک طرفی بودن آن را ملاک تقسیم و جدا کردن قسمتها و ابواب فقهی قرار داده است. در نتیجه نکاح و طلاق که هر دو مربوط به حقوق خانوادگی است، فقط به دلیل اینکه یکی عقد است و دیگری ایقاع، در دو گروه مختلف قرار گرفته اند. همچنین اجاره و جُعاله با همه قرابت ذاتی و ماهوی میان آنها به دلیل اختلاف در عقد و ایقاع بودن از یکدیگر جدا شده اند؛ سبق و رمایه به دلیل اینکه مشتمل بر عقد است از جهاد که به خاطر آن تشریع شده به کلی جدا شده است؛ اقرار که از توابع کتاب القضاء است در بخشی غیر از بخش کتاب القضاء واقع شده است؛ کتاب القضاء و کتاب الاطعمه والاشربه و کتاب الارث بدون هیچ مشابهتی به دلیل اینکه نه عبادتند و نه عقد و نه ایقاع در یک گروه قرار گرفته اند؛ «احکام» اصطلاح مناسبی برای ابوابی که نه از عباداتشان می توان شمرد و نه از عقود و نه از ایقاعات، نیست. تنها بخشی که به حق، بخش مستقل شناخته شده بخش عبادات است که در آن به ماهیت و طبیعت عمل توجه شده است و اگر در سایر بخشها نیز ماهیت و طبیعت موضوعات فقهی را در نظر بگیریم که برخی طبیعت قضائی دارند و حقوق

۲. ر.ک: شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. عبادات شامل ۱۰ کتاب (طهارت، صلات، زکات، خمس، صوم، اعتکاف، حج، عمره، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر)، عقود شامل ۲۱ کتاب ... ایقاعات شامل ۱۲ کتاب ... و احکام شامل ۱۲ کتاب (صید و ذباحت، اطعمه و اشربه، غصب، شفعه، احیای موات، لقطه، فرائض، قضاء، شهادت، حدود و تعزیرات، قصاص و دیات).

مربوط به آنها حقوق قضایی است و برخی طبیعت اقتصادی دارند و برخی طبیعت جزایی و برخی طبیعت سیاسی و برخی طبیعت اخلاقی و برخی طبیعت دیگر، تقسیم فقه از نظر ابواب و بخشها شکل دیگری به خود می گیرد^۳.

دسته بندی پیشنهادی آیت الله عمید زنجانی عبارت است از : الف. فقه عام (همه مباحث فقهی)، ب. فقه قضائی (مباحث آیین دادرسی و طرق اثبات دعوا)، ج. فقه مدنی (ابواب مختلف عقود معین)، د. فقه خانواده (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت)، ه. فقه اقتصادی (مالکیت و انواع آن و وظایف مالیه)، و. فقه عبادی (مباحث عبادات اسلامی) و فقه حقوق عمومی (مسائل مربوط به حسبیه، و حکومت و سیاست خارجی و جهاد و حقوق بین الملل^۴).

۲. فقه فردی و فقه اجتماعی

به نظر می رسد فقه را می توان در یک دسته بندی کلی ابتدا به فقه فردی و فقه اجتماعی تقسیم کرد. فقه فردی همان فقه عبادی و دربرگیرنده احکام عباداتی مانند نماز، روزه و ... است. «فقه اجتماعی ناظر به حوزه گسترده ای از فقه اسلامی است که احکام تکلیفی و وضعی معطوف به روابط متقابل افراد در درون جامعه و افراد با سازمانها، سازمانهای اجتماعی با یکدیگر، روابط جامعه مومنان با دنیای خارج و به طور کلی مجموعه قواعد و مقررات برگرفته از عقل و شرع با هدف تعیین حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی در ساحت های مختلف حیات جمعی مومنان و اقتضائات و ملزومات اجتناب ناپذیر زندگی اجتماعی را در خود جای داده است. گسترش شمول واژه «اجتماعی» به [این معنا] همه آنچه گاه تحت عنوان فقه سیاسی، اقتصادی، قضایی، اداری و ... از آن یاد می شود را در بر می گیرد^۵. به بیان دیگر، ورود فقه به عرصه روابط اجتماعی یا تعیین تکلیف صلاحیتهای نهادهای سیاسی و اجتماعی، اصلی ترین ملاک برای تمایز بخشیدن میان فقه فردی و فقه اجتماعی است.

بر این اساس فقه اجتماعی، مجموعه متنوعی از ابواب فقهی را در بر می گیرد که عبارتند از: فقه خانواده (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت)، فقه مدنی (عقود معین)، فقه اقتصادی (مالکیت و امور مالی)، فقه قضائی (مباحث مربوط به، قضاوت، حدود، دیات، آیین دادرسی و ادله اثبات دعوا و...) و فقه سیاسی (احکام فقهی مربوط به امور حسبیه، دولت و حکومت، جنگ و صلح، روابط بین الملل، معاهدات خارجی).

۳. مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۰، ص ۱۲۲-۱۲۳.

۴. عمید زنجانی، فقه سیاسی، جلد هفتم (مبانی حقوق عمومی در اسلام)، ص ۳۸.

۵. ربانی، فقه اجتماعی، مصاحبه با دکتر سید حسین شرف الدین، ص ۱۰۲.

بدین ترتیب، با معیار قرارداد این برداشت از «فقه اجتماعی» برای دسترسی راحت تر به مباحث مرتبط با حقوق عمومی در فقه، تقسیم آن به فقه فردی و فقه اجتماعی، تقسیم نسبتاً مناسبی است زیرا همان گونه که اشاره شد، گستره «فقه اجتماعی» می تواند همه حوزه های مرتبط با فقه سیاسی، اقتصادی، قضایی، اداری و جز آن را دربرگیرد و آنچه استثنا می شود تنها حوزه عبادات است که زیر مجموعه فقه فردی قرار می گیرد هرچند از رویکرد اجتماعی به برخی عبادات مانند نماز جمعه، حج، زکات، خمس نیز نباید غافل بود.

۳. آثار تفکیک بین فقه فردی و فقه اجتماعی

این تمایز می تواند به دلیل تمایز احتمالی در احکام شرعی آنها باشد. چه بسا حکم به جواز موضوعی در وضعیت فردی و حکم به عدم جواز همان موضوع در وضعیت خاص اجتماعی داده شود. زمانی که آموزش و پرورش اجازه تحصیل به دختران متأهل را در دوره متوسطه روزانه نمی دهد یا یک نهاد نظامی به نیروهای خود اجازه ازدواج با اتباع بیگانه را نمی دهد، مصالحی را در نظر می گیرد که ناظر به روابط اجتماعی یا امنیت ملی است و به هیچ وجه جنبه فردی و شخصی ندارد. ورود فقه به این حوزه ها و تجویز یا عدم تجویز شرعی چنین تصمیماتی، فقه را از عرصه فردی به عرصه اجتماعی وارد می سازد. موارد زیادی هم وجود دارد که حکم شرعی گاه به حیثیت فردی و گاه به حیثیت اجتماعی مربوط است، مانند حرمت روزه خواری پنهانی و روزه خواری علنی؛ که هرچند در اصل حرمت آن تفاوتی نیست ولی در بعد اجتماعی آثار دیگری بر آن مترتب می شود.

وقتی بحث از فقه ناظر به روابط اجتماعی است. گاه شخص دارای دو جنبه و حیثیت است، حیثیت فردی و حیثیت اجتماعی و این حیثیت اجتماعی گاه مستلزم احکام متفاوتی است. به عنوان نمونه قرآن کریم در مورد همسران پیامبر اسلام می فرماید: *يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا*.

شخصی به نام شُقرانی (که از دوستان و پیروان اهل بیت بود) برای گرفتن مقرری به دربار منصور آمد و به رغم چند روز توقف، چیزی به او پرداخت نشد. در همین حال، امام صادق علیه السلام از پیش منصور بیرون آمد و شُقرانی حاجت خود را با ایشان در میان گذاشت. امام به او خوشامد گفت و به نزد منصور رفت، پس از دقایقی برگشت و مقرری شُقرانی را در آستین وی گذاشت و آهسته فرمود: ای شُقران! عمل خوب از

همگان خوب است اما از تو خوب تر است به دلیل انتساب به ما و کار زشت، از همگان زشت است، اما از تو زشت تر به دلیل انتساب به ما.^۶

شقرانی می‌گوید: این کلام اشاره‌ای بود به کار زشت من؛ زیرا گاهی پنهانی شراب می‌خوردم. از امام صادق نقل است که خداوند در روز قیامت هفتاد گناه جاهل را می‌بخشد در حالی که هنوز یک گناه از عالم را نبخشیده است.^۷

قرآن در خصوص عصبانیت حضرت یونس نسبت به قوم خود و ترک آنان و پیامدهایی که برایش بوجود آمد این گونه گزارش می‌کند: وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ^۸ با اراده خداوند ۷ روز در شکم ماهی بود. خداوند در سوره الصافات می‌فرماید: فَلَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ. لَلْبَثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ. (آیات ۱۴۳ و ۱۴۴). اگر توبه نکرده بود، تا روز قیامت در شکم ماهی زندانی می‌شد با آن که گناهی نکرده بود ولی جایگاه پیامبری و شان اجتماعی وی اقتضا داشت به گونه دیگری با مردمش رفتار کند.

۴. موضوعات و مسائل فقهی مرتبط با حقوق عمومی

برخی موضوعات و مسائلی که در فقه مرتبط با حقوق عمومی اند و در لابلای ابواب فقهی مطرح می‌شوند، عبارتند از:

ولایت و حکومت، قضاوت؛

امر به معروف و نهی از منکر؛

امور حسبیه که طیف گسترده‌ای از نیازمندیهای عمومی را شامل می‌شود؛

جهاد و امور دفاعی،

قراردادهای با کفار

نظام کیفری اسلام شامل حدود، دیات،

۶. خَرَجَ الْعَطَاءُ فِي أَيَّامِ الْمَنْصُورِ، وَأَقَامَ الشُّقْرَانِيُّ بِبَابِهِ أَيَّامًا لَا يَصِلُ إِلَيْهِ عَطَاؤُهُ؛ فَخَرَجَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ مِنْ عِنْدِ الْمَنْصُورِ، فَقَامَ الشُّقْرَانِيُّ إِلَيْهِ، فَذَكَرَ لَهُ حَاجَتَهُ، فَحَبَّ بِهِ، ثُمَّ دَخَلَ ثَانِيًا إِلَى الْمَنْصُورِ، وَخَرَجَ وَعَطَاءُ الشُّقْرَانِيِّ فِي كُمِهِ فَصَبَّهُ فِي كُمِهِ ثُمَّ قَالَ: يَا شُقْرَانُ، إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ، وَ إِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَّا، وَ إِنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ، وَ هُوَ مِنْكَ أَقْبَحُ لِمَكَانِكَ مِنَّا (بخاری، جلد ۱۱، صفحه ۲۰۹).

۷. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: يَا حَفْصُ يُغْفَرُ لِلْجَاهِلِ سَبْعُونَ ذَنْبًا قَبْلَ أَنْ يُغْفَرَ لِلْعَالِمِ ذَنْبٌ وَاحِدٌ (الكافی، ج ۱، ص ۴۷).

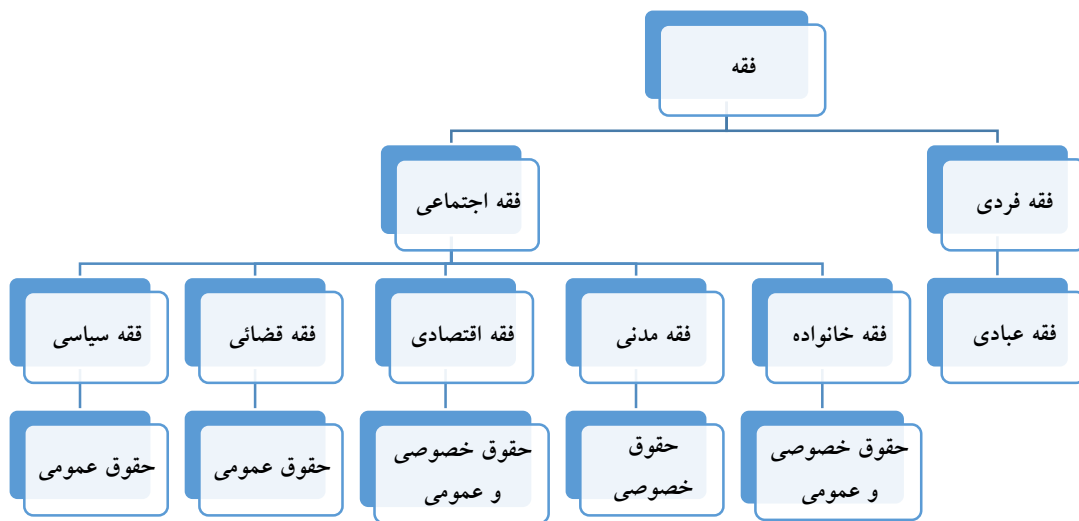
۸. سوره الانبیاء، آیه ۸۷.

واجبات مالی مانند زکات، خمس، خراج و مالیات؛

ثروتهای عمومی مانند انفال،...

امور مربوط به اراضی و احیای موات

نمودار زیر می تواند گویای تقسیم بندی فقه به صورتی که توضیح داده شد باشد:



تامل در زیر مجموعه فقه اجتماعی روشن می سازد که قسمتهایی از آن در حوزه حقوق خصوصی و قسمتهایی

در حوزه حقوق عمومی قرار می گیرد.